



درس فارغ اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

موضوع کلی: صحیح و اعم

تاریخ: ۱۹ فروردین ۱۳۹۳

موضوع جزئی: امر هفتم: تصویر جامع (مقام دوم: وجوه تصویر جامع - بررسی وجه چهارم)

مصادف با: ۸ جمادی الثانی ۱۴۳۵

جلسه: ۹۳

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

وجه چهارم از وجوه تصویر جامع وجهی بود که محقق عراقی آن را تصویر کردند، محصل نظر ایشان این است که جامع بین افراد صحیح از عبادت نه یک جامع عنوانی و صوری است و نه جامع حقیقی ذاتی و بسیط و نه جامع مرکب از اجزاء بلکه این جامع یک جامع وجودی است، حصه‌ای از وجود است که از همه مقولات از جهت و حیث وجودشان و به الغاء حدوداتی که موجب امتیاز و خصوصیات این مقولات شده اخذ شده است، یعنی این حدود ملغی شده و در عین حال حدی هم معین شده که آن حد عبارت است از عدم خروج از دایره افعال صلاتی، یعنی باید به نحوی باشد که از دایره افعال صلاة خارج نشود ولو این که از حیث قلت و کثرت و زیاده و نقیصه به حسب اختلاف حالات مکلفین مختلف باشد. طبق این نظر حقیقت صلاة در واقع عبارت است از یک معنای بسیط وحدانی که نه جوهر است و نه عرض بلکه یک مرتبه خاصی از وجود است که در همه انواع این وجودات یعنی در همه این مقولات جریان دارد لذا این وجود در همه انواع صلاة اعم از صلاة عالم مختار و صلاة غرقی سریان دارد.

بررسی وجه چهارم:

این تصویر از جامع علی القول بالصحیح هم محل اشکال است، به نظر ما دو اشکال بر این تصویر وارد است:

اشکال اول:

این نظریه با قول به عموم وضع و عموم موضوع له قابل اجتماع نیست، از یک طرف مشهور و از جمله محقق عراقی قائل اند در الفاظ عبادات و معاملات مثل لفظ «صلاة» وضع عام و موضوع له هم عام است، یعنی واضح در هنگام وضع یک معنای کلی را تصور کرده و لفظ را برای همان معنای کلی قرار داده، این نظر را خود محقق عراقی هم پذیرفته، یعنی معتقد است وضع الفاظ عبادات و موضوع له آنها عام است، حال اگر ایشان در مقام ارائه تصویر جامع ادعا کند این جامع اصلاً یک جامع ماهوی نیست بلکه یک جامع وجودی است و یک مرتبه و حصه‌ای از وجود محسوب می‌شود با قول به عمومیت وضع و موضوع له سازگار نیست؛ چون وجود مساوق با جزئیت و تشخیص است، اصلاً فرق وجود با ماهیت این است که کلیت و عمومیت در مورد وجود معنی ندارد بلکه هر چیزی که رنگ وجود به خود گرفته باشد لزوماً یک امر جزئی است لذا وجود مساوق را تشخیص و جزئیت است، حال وقتی گفته شود جامع عبارت است از یک مرتبه و حصه‌ای از وجود معنایش این است که یک امر جزئی است و جزئیت با عموم موضوع له سازگاری ندارد.

به عبارت دیگر اصلاً جامع چیزی است که مشترک بین همه مقولات است و تصویر جامع به خاطر این است که ببینیم موضوع له الفاظ عبادات و معاملات چیست؟ از یک طرف می‌گوییم موضوع له این الفاظ عام است و از طرف دیگر می‌گوییم جامع یک مرتبه و حصه‌ای از وجود است که به معنای جزئی بودن آن است و این با این ادعا که وضع و موضوع له در الفاظ عبادات و معاملات عام است قابل اجتماع نیست.

اشکال دوم:

بر فرض اشکال اول را وارد ندانیم و از مسئله عدم امکان اجتماع این تصویر از جامع با قول به عمومیت وضع و موضوع له تنزل کنیم مشکلی که محقق عراقی به آن مبتلا شده کرّ علی ما فرّ است، یعنی رو آوردن به چیزی که از آن گریزان بود، ایشان فرمود جامع تصویر شده نه یک جامع عنوانی و صوری است و نه یک جامع حقیقی ذاتی بلکه یک جامع وجودی است اما در عین حال خود ایشان گرفتار جامع عنوانی شده است. بعضی معتقدند الفاظ عبادات و معاملات مثل لفظ «صلاة» برای یک عنوان کلی وضع شده که همه افراد صلاة صحیح (نماز یومیه عالم مختار، نماز عید، نماز جمعه، نماز غرقى و...) را شامل می‌شود که آن عنوان کلی عبارت است از «الناهی عن الفحشاء و المنکر» یعنی صلاة برای یک حقیقتی وضع شده که انسان را از فحشاء و منکر باز می‌دارد و این در همه نمازهای صحیح وجود دارد لکن محقق عراقی این جامع عنوانی را پذیرفت ولی خودش به یک جامع عنوانی دیگر مبتلا شده، درست است که تأکید کرده جامع بین افراد صحیح نماز یک جامع وجودی است ولی در حقیقت این یک جامع عنوانی است؛ چون این مرتبه و حصه از وجود که هم در نماز یومیه عالم مختار، هم در نماز مسافر و هم در نماز غرقى جریان دارد قطعاً یک وجود نیست؛ چون نماز من یک مرتبه از صلاة، نماز شما یک مرتبه و نماز غرقى هم یک مرتبه و یک حصه دیگر از نماز است و هر شخصی که نماز می‌خواند یک فرد از وجود را ایجاد می‌کند لذا این جامع وجودی قطعاً یک وجود واحد نیست، چون ماهیات این حصص متباین هستند و ماهیات متباین وجودات مختلف دارند، مثلاً وجود نماز عید با وجود نماز غرقى کاملاً مختلف و متباین‌اند و هر کدام از اینها هم دارای وجودات متعدد هستند لذا ناچاریم ملتزم شویم به اینکه این وجودات مختلف متعدّدند و این وجودی که در همه افراد نماز صحیح جریان دارد در واقع چند وجود هستند و در این صورت که پذیرفتیم این جامع وجودی دارای وجودات متعدد است چاره‌ای جز پذیرش جامع عنوانی نیست، شما وقتی بخواهید وجودات متعدد را در یک قالب قرار دهید باید عنوانی باشد تا این وجودات را تحت پوشش خود قرار دهد و آن عنوان می‌تواند عبارت باشد از «الحصّة من الوجود المشتملة علی الصحیح من الصلاة» لذا جامع متصور یک جامع عنوانی می‌باشد که محقق عراقی آن را قبول نداشت.

خلاصه اشکال دوم: بر فرض از اشکال اول صرف نظر کنیم مشکل این است که محقق عراقی به چیزی که از آن فرار می‌کرد گرفتار شده و آن جامع عنوانی بود که محقق عراقی آن را قبول نداشت، ایشان تأکید داشت جامع بین افراد صحیح جامع عنوانی نیست ولی خود ایشان ناچار است یک جامع عنوانی تصویر کند چون جامع وجودی که ایشان تصویر کرد و گفت این حصه از وجود در همه افراد صحیح صلاة وجود دارد قطعاً یک وجود واحد نیست و اصلاً امکان ندارد ماهیات متباینه و

وجودات مختلفی یک وجود داشته باشند لذا باید وجودات متعدد باشند و اگر وجودات متعدد باشند آن چیزی که می‌تواند همه این وجودات را شامل شود چیزی نیست جز یک عنوان کلی مثل «الحصّة من الوجود» و الا آن وجود واقعی و حقیقی نمی‌تواند یکی باشد و به عنوان قدر مشترک بین وجودات فرض شود. لذا باز هم باید یک جامع عنوانی تصویر شود.

نتیجه اینکه وجه چهارم برای تصویر جامع هم که از طرف محقق عراقی مطرح شده قابل قبول نیست.

وجه پنجم (آیت الله بروجردی):

ایشان می‌فرماید: شاید این وجهی را که ما می‌گوییم همان وجه سوم باشد که مرحوم آخوند در کفایه در تصویر جامع علی القول بالاعم بیان کرده است - مرحوم آخوند علی القول بالاعم پنج وجه برای تصویر جامع ذکر کرده است - البته کلام مرحوم آخوند مورد اشکال واقع شده است.

مرحوم آقای بروجردی می‌گوید: همه افراد صحیح نماز در یک چیز مشترکند و لفظ صلاة برای آن وضع شده و آن عبارت است از یک نحوه توجه خاص و خشوع مخصوص از عبد در برابر مولی که این توجه خاص با ایجاد اولین جزء از نماز یعنی تکبیرة الاحرام ایجاد می‌شود و تا آخرین جزء که تسلیم باشد استمرار پیدا می‌کند.

طبق این نظر صلاة عبارت از خود افعال و افعال متباینه‌ای که به حسب وجود کنار هم قرار گرفته‌اند نیست و شارع لفظ «صلاة» را برای این اجزاء و افعال و اقوال وضع نکرده بلکه این لفظ برای یک نحوه از توجه خاص و خشوع مخصوص از عبد در برابر مولی وضع شده که این توجه خاص هنگامی که مصلی تکبیرة الاحرام را می‌گوید محقق می‌شود و تا آخر نماز استمرار دارد، پس اصل توجه با تحقق اولین جزء نماز (تکبیرة الاحرام) محقق می‌شود ولی این توجه تا آخرین جزء سلام (تسلیم) استمرار دارد و این توجه خاص در واقع مثل صورت است برای اجزاء تشکیل دهنده نماز، مواد همان افعال و اقوال هستند ولی صورت آن این توجه خاص و خشوع مخصوص است. همان طور که در مورد اشیاء در عالم خارج و تکوین ادعا می‌شود اشیاء از ماده و صورت تشکیل شده و شیئیت اشیاء به صورتشان است نه به ماده آنها در مورد نماز هم مطلب از همین قرار است یعنی همان طور که اطلاق نام «پنجره» به پنجره به خاطر صورت آن است نه به خاطر مواد تشکیل دهنده آن اطلاق لفظ «صلاة» هم بر افعال و اقوال به خاطر صورت آن که همان توجه خاص و خشوع مخصوص است می‌باشد، کأنّ نماز موادی دارد که عبارت است از اذکار، رکوع و سجود که مجموعه‌ای از اقوال و افعال تشکیل دهنده نماز هستند ولی آنچه صورت نماز است و حقیقت نماز را تشکیل می‌دهد عبارت است از توجه خاص و خشوع مخصوصی که برای عبد در مقابل مولی محقق می‌شود و این توجه با تحقق اولین جزء نماز که تکبیرة الاحرام باشد محقق می‌شود و باید تا آخر نماز استمرار داشته باشد، حال اگر شخص رکوع را انجام ندهد این صورت منقطع خواهد شد و توجه و خشوع او از بین خواهد رفت، پس این توجه به اولین جزء نماز محقق می‌شود اما استمرار آن به تحقق بقیه اجزاء نماز بستگی دارد.

این نکته را توجه داشته باشید که این توجه و خشوع مخصوص وجود مستقلی از اجزاء نماز ندارند و این گونه نیست که توجه و اجزاء دو چیز باشند که اجزاء، اثر و توجه و خشوع، مؤثر یا اجزاء، علت و توجه خاص، معلول باشد بلکه نسبت

توجه و خشوع مخصوص نسبت به اجزاء نسبت صورت به ماده است و همان طور که پنجره بودن چیزی جدای از مواد تشکیل دهنده آن نیست توجه خاص هم به منزله صورت برای اقوال و افعال است و وجودی جدای از وجود آنها ندارد. پس جامع به نظر آیت الله بروجردی عبارت است از یک نحوه توجه خاص و خشوع مخصوص از ناحیه عبد در برابر مولی و این در همه نمازهای صحیح اعم از نماز شخص عالم مختار و نماز غرقی وجود دارد، حال ممکن است آن اقوال و افعال در بعضی افراد نمازهای صحیح کمتر و در برخی دیگر بیشتر باشد، یعنی از حیث قلت و کثرت متفاوتند اما توجه خاص و خشوع مخصوص در همه آنها وجود دارد.^۱

بحث جلسه آینده: وجه پنجم (نظر آیت الله بروجردی) را ان شاء الله در جلسه آینده مورد بررسی قرار خواهیم داد.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. نه‌ایة الاصول، ج ۱، ص ۴۷-۴۸.